

شهرام صحاوی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

یوهان گوتفرید هردر نه تنها در ایران، بلکه در آلمان نیز علیرغم تحقیقات فزاینده و زایدالوصفی که پیرامون آثار گسترده وی به عمل آمده است، متفکری ناشناخته است. این امر شاید از روح انزواطلب وی نشأت گرفته باشد و یا اینکه گستردگی و تنوع آثار وی که حوزه‌هایی شامل: الهیات، تاریخ، ادیان، فلسفه، تبارشناسی، شعر، هنر، نقد ادبی، جامعه‌شناسی، علوم طبیعی، زبان‌شناسی و حتی سیاست را دربر می‌گیرد، می‌تواند دلیل دیگری بر این مدعا باشد. اما آنچه که راهیابی به تفکر این فیلسوف جامع‌العلوم را به غایت دشوار می‌سازد، عدم انسجام و یکپارچگی آثار وی است. این مقاله برآنست که به بررسی پاره‌ای از آراء و ابواب هردر دربارهٔ مبدأ منشاء زبان و نسبت آن با شعر بپردازد. در نگاه نخست زبان وسیله‌ای برای شناخت اشیاء پیرامونی، درک معانی و بیان مقاصد انسان است. حال این سؤال فرارویمان قرار می‌گیرد که چه نسبتی میان این وجه از زبان با شعر که اوج تجلی روحانی و آسمانی است، برقرار است؟ هردر از منظری کاملاً متفاوت با نظریه‌های رایج زبانشناسی قرن هجدهم، به این پرسش پاسخ می‌دهد. بی‌گمان آنچه را که نگارنده نیز در این باره بنگارد، بری از کاستی نخواهد بود، اما شاید دریچه‌ای باشد، هر چند کوچک، اما گشوده به افقی دوردست.

واژه‌های کلیدی: زبان عنصری پویا، فاهمه، خودآگاه، شعر، لوگوس.

یوهان گوتفرد هردر^۱ به سال ۱۷۴۴ میلادی در مورنگن^۲ از نواحی پروس شرقی و لهستان کنونی چشم به جهان گشود. در سال ۱۷۶۲ میلادی، در آستانه هجده سالگی، روح بیقرارش که محشون از پرسش‌های بنیادین فلسفی بود و در تب و تاب فزاینده دو دلی میان اندیشه عقلانیت محض دوره روشنگری قرن هجدهم میلادی و دیانت اصول‌گرایی مسیحی در تلاطم بود، وی را به کونیگزبرگ^۳ کشاند. در آنجا بود که هردر جوان با اسطوره خیالی‌اش، کانت^۴ آشنا شد. کانت که در این دوران در دانشگاه آلبرتوس^۵ (بزرگترین مرکز تدریس الهیات، فلسفه و تاریخ آلمان در قرن هجدهم) کرسی فلسفه و تاریخ را در اختیار داشت، با سودای زیر و رو کردن مکتب ایده‌آلیسم غربی «نقد خردناب»، لحظه‌ای از غوص و غور در کتاب تکان دهنده و شگرف خود «نقد خردمحض»^۶، دریغ نمی‌ورزید، ژرف‌ترین تأثیرات را در آراستگی و نظم‌بندی اندیشه هردر جوان در حوزه خودگرایی دینی برجای نهاد. چهره دیگری که این جوان شوریده سر را شایسته و مسحور خود ساخت، کسی نبود جز یوهان گنورگ هامان^۷ که در برابر امواج توفنده پدیدآورندگان دائره‌المعارف^۸ چون دالامبر^۹، دیدرو^{۱۰} ژان ژاک روسو^{۱۱} از یک سوسو و فیلسوفان تجربه‌گرا انگلیسی از جمله لای^{۱۲} هیوم^{۱۳} و هابز^{۱۴} از سوی دیگر به بازسازی فلسفه اولی در آلمان به‌پا خاسته بود، آنچنان روح تشنه هردر جوان را مشعوف ساخت که وی را تا پایان عمر بدنبال خود کشاند، بطوری که نامه‌نگاری‌های میان آن دو که سرشار از پرسش‌های فلسفی و عواطف انسانی است، تا زمان درگذشت هامان به سال ۱۷۸۸ ادامه یافت. باری، هردر به سال ۱۷۶۴ در پی توصیه هامان راه شهر ریگا^{۱۵} در روسیه را در پیش گرفت و در کلیسای مرکزی شهر به تدریس و بحث و وعظ در دو حوزه فلسفه دین و نقد ادبی پرداخت. سپس به سال ۱۷۶۹ سفر دریایی خود را به مقصد فرانسه آغاز نمود. طی همین سفر بود که وی طرح‌های نخستین بیانیه فکری خود به عنوان «روزنامه سفر من در سال ۱۷۶۹»^{۱۶} را به رشته تحریر درآورد و بی‌پروا، بی‌سابقه‌ترین راء و اندیشه‌های فلسفی خود را که بیش از هر چیز به نقشه‌های بلند پروازانه جوانی شوریده سر می‌مانست، در حوزه‌های گوناگون از جمله: فلسفه اولی، تاریخ‌نگاری، زبان‌شناسی، اصلاح ساختار آموزشی مدارس آلمان، علوم طبیعی و تبارشناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، شرق‌شناسی، سیاست و شعر مطرح ساخت. لازم است ذکر گردد، علیرغم آن‌که بسیاری از آراء و اقوال هردر در زمان حیات وی هرگز جامه عمل بخود نپوشید، اما بی‌تردید در مبنای فلسفی اندیشمندی چون شلایرماخر^{۱۷} فیخته^{۱۸}، فروبل^{۱۹}، هگل^{۲۰} و هومبولت^{۲۱} تأثیرات شگرفی برجای نهادند.

هردر به سال ۱۷۷۰ میلادی وارد استراسبورگ^{۲۲} شد و در اینجا بود که ملاقات سرنوشت‌ساز او با گوتته^{۲۳} جوان انجام پذیرفت، این دیدار گوتته را در غنابخشی اشعارش یاری بخشید، در سال ۱۷۷۶ بود که هردر به پیشنهاد گوتته، به وایمار^{۲۴} (کانون فرهنگ و تمدن آنزمان آلمان) پای نهاد و سرانجام به سال

- 1- Juhann Gottfried Herder
- 2- Mohrungen
- 3- Konigsbrung
- 4- Immanuel Kant
- 5- Albertus
- 6- Kritik der reinen vernunft
- 7- Johann Georg Hamann
- 8- Enzy Klopdisten
- 9- Jean le Rond Alembert
- 10 - Denis Diderot
- 11 - Jean- Jacques Rousseaus
- 12 - John Lock
- 13 - David Hume
- 14 - Thomas Hobbes
- 15 - Riga
- 16 - Journal Meiner Reise im jahre
- 17 - Friedrich Schleirmacher
- 18 - Johann Gottlieb Fichte
- 19 - Friedrich Froble
- 20 - Goethe Wilhelm Hegel
- 21 - Wilhelm Humboldt
- 22 - Strasburg
- 23 - Johann wolfgang Goethe
- 24 - Weimar

۱۸۰۳ میلادی بر اثر بیماری صفراوی، ناراحتی بینائی با زندگی بدرود گفت و در کلیسای مرکزی شهر وایمار به خاک سپرده شد.
مهمترین آثار وی عبارتند از: روزنامه سفر من در سال ۱۷۶۸^{۲۵}، رساله در باب مبدأ و منشاء زبان (۱۷۷۲)^{۲۶}، نظریاتی در فلسفه تاریخ بشریت (۱۷۸۸)^{۲۷}،
بارالها: چند سخن دارم (۱۷۸۷)^{۲۸} نامه‌هایی برای ترغیب نوع دوستی (۱۷۹۳)^{۲۹}.

زبان عنصری پویا

آنچه که درباره آراء و اندیشه‌های هردر، بویژه درباره منشاء و مبدا زبان، بیش از هر چیز تجلی می‌یابد و در میان نظریه‌های فلسفی زبان‌شناسی در قرن هجدهم، اگر نگوییم بی‌سابقه دست کم، کم سابقه است، اطلاق زبان به موجودی زنده، ارگانیک و دارای روح مستقل است. نخستین طرح‌های فلسفی هردر در حوزه زبان‌شناسی به سال‌های تحصیل وی در کونیگزبرگ (Königsberg) باز می‌گردد. در آن هنگام که هردر جوان با شور و شوق بسیار در کلاس‌های درس استاد محبوب خود یوهان گئورگ هامان، که کرسی فلسفه ادیان و زبان‌شناسی را در دانشگاه آلبرتوس^{۳۰} داشت، شرکت می‌جست و سخت تحت تأثیر نظریان زبان‌شناسی وی قرار داشت.

هامان با تأکید بر ماهیت الهی زبان معتقد بود: "انسان به خاطر ذات انسانی‌اش، وجودی الهی است، به تبع آن، زبان نیز چیزی نیست جز لیبیک گویی انسان به ندای حق و قرار گرفتن در ساحت امر قدسی" (بنوفون ویزه^{۳۱}، ۱۹۷۷، ص ۵۳۱).

اما سیطره اندیشه‌های روشنگری و علوم فلسفه طبیعی، گسترده‌تر از آن بود که هردر را از غوص و غور در آن‌ها باز دارد، باری، هردر پس از گذشت سال‌ها تفحص و پژوهش در دو حوزه علوم طبیعی و فلسفه ادیان و فلسفه زبان‌شناسی، سرانجام پس از وقفه‌ای طولانی به سال ۱۷۷۲، اثر شگرفت خود را در حوزه فلسفه زبان‌شناسی، با عنوان "رساله در باب مبدأ و منشاء زبان" منتشر ساخت و بدین سان، برای نخستین بار، دیدگاهی چند وجهی و بحث‌انگیز را درباره ماهیت پیدایش زبان، مطرح ساخت و از این رهگذر ناگزیر گردید که بر خلاف میل باطنی خود، دیدگاه استاد بزرگ خود هامان را درباره ماهیت الهی زبان به چالش کشانده و اظهار نماید: "زبان در بادی امر تنها یک نیاز و یک ضرورت است که از فطرت طبیعی و فیزیولوژیک انسان نشأت می‌گیرد و به تدریج در سیر تکاملی خود گام برمی‌دارد. بدین معنا که زبان در نخستین مرحله پیدایش خود، به صورت عنصری بسیط و ابتدایی ظاهر می‌شود، در واقع به مانند زنجیره‌ای از اشارات، آواها و اصوات از انسان صادر می‌شوند، به گونه‌ای که تصور خلق و ابداع واژگان زبان تنها در یک فرایند زمانی و در سیر تطور تمدن‌های بشری قابل درک است" (هردر^{۳۲}، ۱۷۷۲، ص ۸).

بدین سان هردر برای نخستین بار وجوه شقوق زیر را برای زبان قائل می‌شود:

۱. زبان طبیعت همان اصوات و آوایی‌اند که در بطن طبیعت و در پدیده‌های طبیعی تولید می‌شوند.
 ۲. زبان ذاتی انسان که در واقع همان نخستین واکنش‌های انسان به هنگام بروز احساسات غریزی و نیز در مواجهه با دنیای بیرونی پژواک می‌یابد.
 ۳. زبان ابداعی انسان که همانا به زبان روزمره اطلاق می‌شود و در برگیرنده واژگان دستوری می‌باشد ژرف‌ساخت و روساخت است.
- این بدان معناست که زبان نیز به موازات رشد فیزیولوژیک و نیز تعالی روحی انسان، دارای رشد فیزیولوژیک و تعالی روح است. هردر ادوار حیات انسان و به مثابه آن حیات زبان را، به ۳ دوره مشخص تقسیم می‌کند:

۱- دوران کودکی

۲- دوران نوجوانی

۳- دوران بلوغ فکری

۱- به باور هردر کودکی انسان دورانی است که روح کودک و طبع حساس او بیش از هر زمان دیگر با طبیعت پاک و الهی خود قرین و دمساز است و در نتیجه زبان وی نیز که به اعتباری با او همزاد پنداری دارد، در خالص‌ترین و ناب‌ترین وجه خود یعنی «شعر» تجلی می‌یابد. در این حال کودک فارغ از قواعد و الزامات دست و پاگیر اجتماعی، شیفته کلام شعرگونه و موزون است که همانا پژواک دهنده روح سرشار از خلوص و بی‌پیرایه کودک است. در اینجا است که زبان دوره کارکرد تغذلی خود را آغاز می‌کند. هردر در این زمینه از اشعار انجیل و ترانه‌های بومی کودکان که در اوج زیبایی و دلنشینی است، یاد می‌کند و آن

25 - Journal meiner Reiser im Jahre

26 - Abhandlung über den Ursprung der Sprache

27 - Ideen zur philosophie der Geschichte der Menschheit

28 - Gott, Einige Gespräche

29 - Briefe zur Beförderung der Humanität

30 - Albertus

31 - Benno von Wiese

32 - Herder

را اصیل ترین نوع ادبی می‌داند، وی بر این اعتقاد است که کودکان و انسان ساده و بی‌پیرایه روستایی، مولد و تولیدکننده ادبیات منظوم‌اند، بنابراین شعر را باید در بطن عامه مردم جستجو کرد، و نه در میان روشنفکران و شعرای صاحب نام.

۲- تلقی خاص هردر از مرحله دوم یا همان دوران جوانی، بیش از همه به پیدایش طبقه روشنفکر بطور اعم در اروپا و به ویژه در آلمان قرن هجدهم اطلاق می‌گردد که خود نیز از نظریه پردازان همان عصر بشمار می‌رود. در اینجا هردر به نقد و به چالش کشاندن لایه روشنفکر قرن هجدهم در اروپا می‌پردازد، از سوی دیگر به عنوان یک فیلسوف زبان‌شناس، هژمونی بی‌چون و چرای زبان لاتین را در عرصه فرهنگ آلمان به شدت مورد نقد قرار می‌دهد و بر آن است تا نسل جوان و به پا خواسته آلمان را در برابر این سلطه بلامنازع به حرکت درآورد و احیای زبان آلمانی را به عنوان زبان ملی در برابر تهاجم فرهنگی هلنی مطرح می‌سازد.

هردر در این باره معتقد است: "دیگر نباید همه چیز را قربانی زبان لاتین نمود؛ حال دیگر هر دانش‌آموز آلمانی، دارای هر استعدادی و از هر جایگاه طبقاتی، فقیر یا غنی، شهری یا روستایی باید از زندان تحمیلی زبان لاتین رها شود و زبان مادری خود را که همان زبان طبیعی است فراگیرد و آن را به کار بندد. بر هر معلم آلمانی فرض است که از این پس، دروس اسامی دوره دبیرستان، الهیات، تاریخ، ریاضی، فیزیک و به ویژه آموزش شعر و ادبی را زبان مادری خود تدریس نمایند که همانا روح آن دروس تنها در زبان مادری است که در روح انسان حلول می‌نماید" (هردر، ۱۷۶۹، صص ۲۴ و ۲۵).

در اینجاست که زبان بصورت ادبیات انقلابی و منشور بروز و ظهور می‌یابد و کارکرد و حیات خود را در قالب بیان ادبیات منشور و روایی عیان می‌سازد، بدین‌سان دومین مرحله حیات زبان که همانا دوره جوانی انسان نیز محسوب می‌گردد، آغاز می‌شود.

۳- و اما واپسین مرحله یا دوران بلوغ فکری، به دوران فلسفی زبان و یا به عبارتی عصر عقلانیت محض اطلاق می‌گردد. در این پروسه، انسان در اوج تفکر خردگرایانه و متأثر از دغدغه‌های فلسفی است و در نتیجه، زبان در این مرحله دشوارترین مسئولیت خود را که همانا بیان تفسیر و تأویل جهان خلقت است، برعهده دارد، اما نکته بسیار درخور توجه آن‌که، اگرچه هردر از این دوره به عنوان اوج حیات فکری و تکامل زبان یاد می‌نماید، اما در مقام قیاس اصالت را برای دوره نخست قائل است، یعنی زمان که انسان بیش از هر زمان دیگر، خود را در جوار امر قدسی و سرشار از معنویت می‌بیند، تنها در این نشئه قادر است به ادراک و دریافت کامل جهان خلقت دست یازد، بنابراین، در اینجاست که وی شعر را اصیل‌ترین نوع بیان حقیقت و هستی برمی‌شمرد و باور دارد که علت تأثیر شگرف کلام الهی در کتاب‌های آسمانی بر انسان، همانا تغزلی و ماورایی بودن ماهیت آن زبان است و انسان بی‌واسطه، سرایش شعر را از خدا آموخته است.

نسبت زبان با حوزه‌های حسی و عقلی

به اعتقاد هردر، انسان تصویر کلی حیات خود را در حوزه‌های معرفت شناختی، از هستی‌شناسی^{۳۳} گرفته تا جامعه و تاریخ و به ویژه ادراک، جایگاه خود در برابر امر قدسی، را در زبان خواهد یافت و این زبان است که بشر را، به دنبال خود می‌کشاند و نه برعکس، به عبارت دیگر تلقی انسان نسبت به زبان، تلقی او نسبت به حقیقت وجود است. از نگاه هردر، زبان می‌تواند در عالیترین گونه خود حسن همجواری بین ملت‌ها را در پهنه گیتی برپا نماید.

در پی انتشار جنجال آفرین کتاب «تأملی در باب فلسفه پیدایش زبان» اثر عالم ربانی زوس میلس^{۳۴} که به سال ۱۷۷۰ میلادی به وقوع پیوست، آکادمی علوم برلین^{۳۵} به منظور نقد و بررسی آن کتاب، فراخوانی همگانی را اعلام داشت و برای این منظور اهداء جایزه علمی نفیسی را نیز نوید داد.

نویسنده در این کتاب تلاش نموده بود تا اثبات نماید که زبان موهبتی الهی است و به صورت کامل بر بشر نازل گردیده است.

این حرکت، انگیزه‌ای را برای هردر فراهم آورد که وی تدوین اثر عظیم خود را درباره فلسفه پیدایش زبان که از سال ۱۷۶۴ متوقف مانده بود، از سر بگیرد، که سرانجام نیز به کسب جایزه علمی آکادمی برلین منجر گشت. در فصل نخست کتاب، هردر بر آن است که به این پرسش بنیادین پاسخی درخور دهد: «آیا انسان‌ها با تکیه بر توانمندی‌های فطری که خداوند به وی اعطاء نموده است، توانسته خود به تنهایی زبان را ابداع نماید؟»

در اینجا هردر تلاش می‌نماید تا با ارایه ادله علمی اثبات نماید که اگرچه ساختار زبان از وجوهات امر قدسی است، اما کنش زبانی متأثر از یک فرآیند ارگانیک است که تابعی از تکامل حس و عقل است، و این امر محصول آزادی تفکر انسان به عنوان یگانه موجود و مخلوقی است که آزاد آفریده شده است. از سوی دیگر هردر در کتاب خود به رد نظریه روشنگران فرانسوی از جمله کوندیلاک^{۳۶} مبنی بر آن که اساس و بنیاد زبان انسان، تقلید از صدای حیوانات است، می‌پردازد.

برخلاف تمامی نظریات و آراء رایج در حوزه زبان‌شناسی قرن هجدهم، هردر می‌گوید که مبدأ و منشاء پیدایش زبان از طبیعت متعالی و الهای انسان

1- Epistemologie

34 - Suss Milch

35 - Berliner Akademie

36 - Etienne de condillac

نشأت می‌گیرد، وی تأکید می‌ورزد که این امر بارزترین وجه تمایز بین انسان و حیوان است. هنگامی که حیوان به صورت کاملاً غریزی برای بیان احساس درونی خود به تولید اصوات معین و محدود می‌پردازد، در آن حال انسان آزادانه و با تفکر لب به سخن می‌گشاید. هر در در ادامه می‌افزاید: «بر انسان فرض است که با بهره‌گیری از قوه فاهمه^{۳۷} عقل^{۳۸} و خودآگاه^{۳۹} جهان را به صورت یک کل مطلق ادراک نموده و بدین وسیله تصاویر حقیقی جهان را در ذهن بخاطر می‌سپارد» (کلمنس^{۴۰}، ۱۹۶۱، ص ۱۲).

در نظر هر در، مهمترین واژه‌ای که بشر آموخته و بواسطه این واژه زبان ابداع گشته است، واژه «روح» است. هر در به دنبال نفی نظریه زوس میلش ابراز می‌دارد: «انسان چگونه می‌تواند از طریق تعالیم الهی زبان را بیاموزد - اگر او فاقد قوه دراکه عقل باشد، در حالی که او بدون داشتن زبان، کمترین بهره‌ای از عقل خود نخواهد برد. انسان برای آن که بتواند نخستین کلمه به عنوان مثال عقل را بیان دارد، حتی اگر این واژه از سوی خداوند به او القاء شده باشد، ناگزیر است که از یک خودآگاهی تکامل یافته برخوردار باشد. بدان معنا که تا انسان آماده پذیرش کلام الهی نباشد، انزال آن برایش نفعی در برنخواهد داشت» (همان، ص ۱۳).

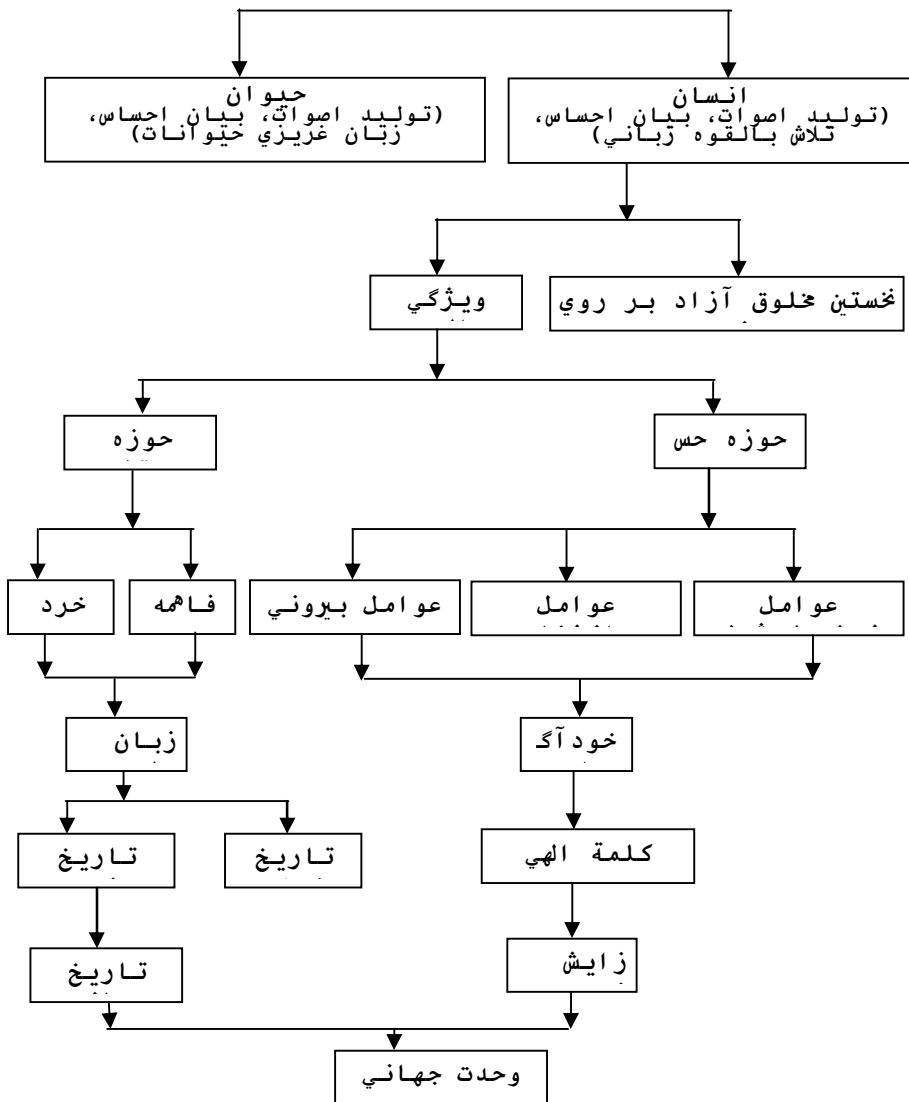
هر در در فصل سوم رساله خود به نخستین ویژگی‌های عناصر تشکیل زبان می‌پردازد و تشریح می‌نماید که نخستین واژگان تأثیر گذار در انسان، افعالی‌اند که بیانگر احساس درونی انسانند، از آنجا که بیان احساس منجر به زایش و تولد شعر می‌شود، نتیجه می‌گیرد که نخستین و برترین جوامع زبانی آن جوامع‌اند که زبان در آن جوامع در انسان از همان دوران کودکی در ارتباط با مادر، خانواده و جامعه شروع به تکوین و تکون می‌نماید. در اندیشه هر در، انسان در ساختار خود را یک مخلوق اجتماعی می‌داند، که در نتیجه تکامل پدیده‌ای طبیعی و برخاسته از ماهیت وجودی انسان است، این یکی از قوانین کلی است که در بطن طبیعت ساری و جاری است. هر در بر این تأکید دارد که انسان، عنصری مجرد و تک‌افتاده نیست، برای خود و در خود زندگی نمی‌کند، او فقط جزئی از یک کل است. همانگونه که انسان جزئی از یک خانواده است، به همان صورت اقوام و ملل نیز جزئی از نظام کل بشریت و در نگرشی کلی، بخشی از خلقت‌اند. تنوع و گونه‌گونی زبان‌های موجود در جهان نیز، معلول تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی است، اما وجود این تمایزات مانع از روند وحدت بین انسان‌ها نخواهد شد زیرا عامل این وحدت همانا شعر و به عبارت خالص‌تر، کلام الهی است. بر آنیم تا نمودار شماره یک را برای جمع‌بندی نظریه هر در را درباره مبدأ و منشأ زبان و آراستگی و نسبت آن با حوزه‌های حس و عقل و سرانجام اوج تکامل زبان یا همان زایش شعر، عرضه نماییم.

37 - Der Verstand

38 - Die Vernunft

39 - Das Bewusstsein

40 - Clemens



نوع نگاه هر دو نگاه تلفیقی است که در برگزیده فلسفه علوم طبیعی (Naturphilosophie) از یک سو و الهیات (Theologie) از سوی دیگر است و همین امر فلسفه وی را از سایر نظریات فلسفی زبان‌شناسی قرون اخیر، ممتاز می‌کند. در نمودار شماره ۱ هر دو مراتب وجود و خلقت انسان و حیوان را از حیث تولید زبان در عرض یکدیگر قرار می‌دهد و معتقد است همانگونه که حیوان برای بیان احساس خود به تولید اصوات و آوای خاص مبادرت ورزد، انسان نیز در مرحله ابتدایی، صرف نظر از بعد روحانی و معنوی، دارای نوعی زبان ذاتی به مانند حیوان است که ناشی از زیست وی در دامان طبیعت است. به یک اعتبار در این فرآیند انسان و حیوان از حیث زبانی و نحوه تولید اصوات تفاوت بارزی ندارند. در حالی که حیوان جبراً در این مرحله غریزی زبان متوقف می‌ماند، اما انسان به لحاظ ماهیت ملکوتی خود که همانا برخوردار از آزادی و اختیار است، در درون خود ندای امر قدسی را دریافت می‌کند، به کلام دیگر هر دو توأمان دو وجهه ما به تقدم (پیشینی a priori) و ما به تأخر (پسینی a posteriori) برای زبان قائل است. فرآیند پیشین زبان بنا بر تلقی هر دو، همان زبان ذاتی یا زبان در برخورد با دنیای بیرونی - پهنه طبیعت - است و فرایند پسینی آن هنگامی که آغاز می‌شود که انسان در میان دو حوزه حس و عقل قرار می‌گیرد. بدین سان تعالی روح انسان ماهیتی دو سویه دارد، از یک سو دریافت‌های وی از عوامل فیزیولوژیک، روانشناختی و محیطی و از سوی دیگر تجزیه و تحلیل آن در قوه خرد و نامگذاری آنها در قوه فاهمه - مراد از نامگذاری، یافتن ما به ازاء خارجی، برای اسامی ذات و اسامی معنی است - به یک خودآگاهی ممتاز و متعالی راه می‌یابد. در تحلیل نهایی هر دو معتقد است که ساختار زبان در این مرحله وظیفه‌ای دوگانه می‌یابد از یکسو زبان به تمثیل امور مادی انسان پرداخته و روابط بین افراد بشر و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را ایجاد می‌کند، و به یک اعتبار نقش تاریخ‌سازی زبان آغاز می‌شود؛ اما آنچه که در قلمرو زبان، در نظر هر دو، از اصالت برخوردار است، همانا تجلی روحانی انسان، یعنی زایش شعر است. هر دو معتقد است: «شعر، زبان مادری نوع بشر است» (گریم^۱، ۱۹۸۹، ص ۴۰). و از همین امر نتیجه می‌گیرد که با وجود (کثرت زبان‌های دنیا که ناشی از تفاوت‌های اقلیمی است، شعر می‌تواند در قالب زبان واحد الهی روح همه انسان‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از رازهای هستی سرشار سازد، و در اینجا است که پیوند زبان و شعر، وحدت جامعه جهانی را به وجود می‌آورد و پلیدی از پهندهشت گیتی رخت برمی‌بندد، روح انسان به واسطه شعر که همان ندای الهی و عصاره حتی اولوگوس (Logos) است، سرشار می‌شود و از کثرت به وحدت رهنمون می‌گردد.

منابع

- 1- Benno von Wiese: *Deutsche Dichter des 18. Jh.* Erich Schmidt Verlag, Berlin, 1977.
- 2- Grimm Gunter U. Frank Rainer Max: *Deutsche Dichter, Band 4*, Stuttgart, 1989.
- 3- Herder, Johann Gottfried : *Abhandlung über den Ursprung der Sprache*, Hamburg, 1975.
- 4- Herder, Johann Gottfried: *Journal meiner Reise im Jahre 1769*, Paderborn, 1961.
- 5- Menze, Clemens : *Humanität u. Erziehung*, Ferdinand Schöningh, Paderborn, 1961.